

۲۰۴۱۱۰۳۲

کوروش کبیر

هارولد لمب

ترجمه صادق رضازاده شفق

www.ketab.ir

انتشارات ذهن روشن

سرشناسه: لمب، هارولد، ۱۸۹۲ - ۱۹۶۲، عنوان و نام پدید آور: کورش کبیر / هارولد لمب؛ ترجمه صادق رضازاده شفق. مشخصات نشر: تهران: ذهن روشن، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۳۳۶ ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۷۶-۰۰-۱. وضعیت فهرست نویسی: فیا، یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است. موضوع: کورش هخامنشی، ۵۲۹ ق.م. داستان. موضوع: داستان های آمریکایی - قرن ۲۰ م. موضوع: ایران - تاریخ - هخامنشیان. شناسه افزوده: رضازاده شفق، صادق، ۱۲۷۴ - ۱۳۵۰. مترجم. رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۹ گک/ل ۲۳۶/DSR. رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۵۰۹۲. شماره کتابشناسی: ۵۱۲۵۸۷۹

کورش کبیر

هارولد لمب

ترجمه صادق رضازاده شفق

ناشر: انتشارات ذهن روشن

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۷۶-۰۰-۱

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

تهران: میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۳۰

تلفن: ۶۶۴۸ ۹۰۳۷

فهرست

۷	 دیباچه‌ی مترجم
۱۱	 اولین منشور حقوق بشر در تاریخ
۱۳	 دیباچه
۱۷	 یادداشت مؤلف
۲۱	 یادداشت مترجم
۲۵	 فصل ۱
۲۵	 نشیمن در کوهستان
۲۵	 بچه‌های دروازه
۳۳	 پرتاب یک تیر
۴۵	 پیشگویی مغان
۴۹	 شهر مرگ
۵۸	 سرود غارت نینوا
۶۴	 رحم الهی بزرگ
۷۱	 کوروش از برج عبور می‌کند
۷۹	 فصل ۲
۷۹	 سوگند کورش
۷۹	 مسیر آریایی‌ها
۸۴	 سرزمین گود
۸۸	 پشم زرین وارتان

قبر سکایی	۹۱
کوروش به پاسارگاد عزیمت می کند	۱۰۱
فرمانی از طرف ارژدهاک	۱۰۳
انتقام هارپیک فرمانده سپاه	۱۰۹
سوگند در تالار مادها	۱۱۸

فصل ۳	۱۲۹
گنج کوروش	۱۲۹
پیشگویی کاهن دلفی	۱۲۹
الهام گوبارو	۱۳۲
کلاه خودی که در ساردیس فرود افتاد	۱۴۱
کوروش با اسپارتنی ها روبرو می شود	۱۵۰
حکمای ملطیه	۱۵۶
هارپیک شهریان یونیا	۱۶۰
ظهور تحولات بزرگ	۱۶۶
آشفتگی کوروش	۱۷۰

فصل ۴	۱۷۹
در آتش باختری	۱۷۹
کاوی ویشتاسپه	۱۷۹
کوروش راه زرتشت را پیش می گیرد	۱۸۶
بلایی که در مهمانی رو آورد	۱۸۹
هیبت ریگزار سرخ	۱۹۴
توسعه ی خط های مرزی	۲۰۱
خطر قله ها	۲۰۴

جایی که زرتشت حکومت می‌کرد ۲۰۸

قضاوت کوروش درباره‌ی باختریان ۲۱۴

فصل ۵ ۲۲۳

بابل سقوط می‌کند ۲۲۳

منظره‌ی شهر ۲۲۳

برای یعقوب اقبی چه پیش‌آمد کرد ۲۲۹

آنچه نبوننا پنهان می‌داشت! ۲۳۹

زندان خدایان ۲۴۴

نظر کرده‌ی مرا ۲۵۱

دروازه‌ی نامریی ۲۵۶

قضاوت کوروش ۲۶۳

من مردم را گرد هم آوردم ۲۶۸

مراجعت مردان سرودخوان ۲۷۲

فصل ۶ ۲۷۷

دعوت مغ ۲۷۷

جاده‌ها به سوی دریا می‌رود ۲۷۷

تاریخ خاموش است ۲۸۹

هر نوع خدایان دیگر که باشند ۲۹۶

جنگ در جلگه‌ها ۲۹۹

فصل ۷ ۳۰۷

پایان کار ۳۰۷

دولت جهانی ۳۰۷

۳۱۳	کورش و داریوش
۳۱۴	دین هخامنشیان
۳۱۵	راز کشورگشایی ایران
۳۱۸	روبرو شدن ایرانی با یونانی
۳۱۹	نیاکان ما و خاور و باختر
۳۲۲	راز پاسارگاد
۳۲۶	راز ابتکار
۳۲۹	کورش و اسکندر
۳۳۱	گواهی دزفین
۳۳۵	منابع

دیباچه‌ی مترجم

آقای هارولد لمب^۱ مؤلف کتاب حاضر یعنی «کوروش کبیر» که متن انگلیسی آن حدود یک سال پس (۱۹۶۰ میلادی) در نیویورک انتشار یافت، در میان ایرانیان ناشناس نیست. حقایق را به کشور ما مسافرت کرده و مطالعاتی بجا آورده و در تاریخ و ادب و داستان‌های ایران و بعضی ملل مجاور غور نموده و انتشاراتی سودمند، به شکل مقالات و کتاب‌های آن موضوع‌ها بوجود آورده است که اکثر آنها از انگلیسی به زبان‌های دیگر از آن جمله به فارسی ترجمه و طبع گشته است. تألیفات معروف او نظیر: عروس ایران، عمر حیدر، چنگیزخان، تیمورلنگ، جنگ‌های صلیبی، سلیمان فاتح، اسکندر مقدونی (که این کتاب اخیراً اینجانب ترجمه کردم و در بهمن ماه ۱۳۳۵ طبع و نشر شد) معروف و مشهور است. سبک مؤلف محترم در تمام این تألیفات او را از لحاظ حقایق تاریخی و خرد و روحی و اوضاع اجتماعی ملل و اقوام خاور میانه، بس سودمند قرار می‌دهد.

کتاب کوروش کبیر که اینک ترجمه‌ی آن تقدیم هم‌میهنان ترجمه می‌شود، تاریخی است رمان مانند یا رمانی است تاریخی؛ گرچه مؤلف محترم در هیچ یک از این دو نوع ادعایی ندارد. متن انگلیسی کتاب چنانچه اشاره شد، به سال ۱۹۶۰ میلادی یعنی قریب ۴۲ سال پیش در امریکا منتشر شد و این انتشار مصادف بود با جشن‌های دوهزار و پانصد ساله ایران، به همین مناسبت برخی از مورخان آن دوره کتابی را که در مورد کوروش کبیر نشر داده شده بود را به فارسی ترجمه کردند.

خالی از فایده نمی‌دانم ملاحظات در باب سبک و مطالب متن به نظر خوانندگان گرامی برسانم. اولاً هر کس کتاب را به دقت بخواند از تبحر مؤلف در زبان، به خصوص تسلط حیرت‌آور او در لغات و مترادفات انگلیسی واقعاً تعجب می‌کند و به وسعت لغت‌شناسی او آفرین می‌گوید و او را یک قاموس ناطق می‌پندارد. در عین حال با وجود لغت‌شناسی شگفت‌آور، جمله‌بندی و عبارات کتاب بسا مبهم و نیمه‌تمام و در مواردی معروض تعقید و حتی مطالب آن هم گاهی متناض به نظر آمد و این سبک به قضاوت اینجانب در کتاب «کوروش کبیر» به نسبت بیشتر از سایر تألیفات آقای لمب بکار رفته که شاید تغییر احوال و مرور سن و سال در آن تأثیر داشته است.

دوم آنکه این کتاب نیز مانند سایر کتاب‌های مؤلف دانشمند بر مطالعات و تتبعات و تجربیات استناد دارد و بنابراین زمینه‌ی روشن پهنآوری از تاریخ گذشته‌ی ما را در مدد خواننده می‌دارد، باز در مواردی خیال به حقیقت و داستان به تاریخ چیره شده حتی مختصرات ناباهاتی هم روی داده است که از آنها حتی به حساب داستان هم نمی‌توان اعماض آورد زیرا با این که داستان می‌تواند نیروی تخیل را در بسط و تفصیل و تزئین وقایع تاریخ بکار برد از طرف دیگر نمی‌تواند وقایع یا اشخاص واقعی را تغییر دهد و موهبات سوء تفاهم فراهم آورد. مثلاً ماندانه (مندانه)، لااقل به قول یکی دو منبع یونانی، مانند گزنن در کتاب «پرورش کوروش» دختر ازدهاک و دختر بخت‌النصر! و اگر در صورت تمام این خبر تردیدی هم باشد، مسلماً وی دختر بخت‌النصر نبوده است. همچنین آقای مؤلف (گوبارو) را که به ضبط یونانی (گبرياس) و به ضبط بابلی (اوگبارو) باشد حکمدار شوشان می‌داند در صورتی که تواریخ قدیم، او را حکمدار ناحیه (کوتیوم) می‌خوانند که ناحیه‌ای بوده میان رود دیاله و زاب سفلی و دجله. همچنین (آمیتیش) به موجب روایات یونانی، دختر ازدهاک بوده نه گوبارو.^۱ البته امثله‌ی دیگر از این قبیل هم می‌توان پیدا کرد. در معنی نام‌ها هم ایشان به حکم این که نظرشان بیشتر به داستان

1. Gubaru, Ugbaru, Gobryas, Amytis, Gutium

است، زیاد مقید نبوده‌اند. مثلاً کلمه‌ی کوروش را به موجب فرض اصل و ریشه‌ی بابلی به معنی «چوپان» گرفته در صورتی که مستشرقین مانند (یوستی) آن را از کلمه‌ی (کورو) خور (خورشید) دانسته‌اند. نیز نام آستیاگ (آستیاژ) را با تبعیت از (المستد) به معنی زوبین از (آرش تیویگ) گرفته، در صورتی که یوستی، آن را عین کلمه‌ی (ازدهاک) می‌داند. نامیدن نقاط جغرافیایی با نام‌های وصفی مانند (دریای گیاه) به جای جلگه‌های شمالی اروپا و (سرزمین گود) به جای درّه تفلیس و (کوه‌های سفید) به جای کوه‌های قفقاز و (کوه بلورین) به جای دماوند و (دریای کبود) بجای دریای سیاه و نظایر آن اگرچه داستان را رنگین‌تر می‌کند از طرف دیگر خواننده را سردرگم می‌دارد. همچنین (آمودریا) را «رود دریا» و (سیر دریا) را (رودریگزار) ترجمه کرده که معلوم نیست روی چه مأخذی است. در کلمه‌ی آمودریا، جزء (آمو) به اغلب احتمال نام محل است. عرب آن را جیحون نامید و ایرانیان غیر از آمودریا (و خشای) (وخشاو) هم می‌نامیدند که ضبط (Oxux) یونانی از همان کلمه فارسی است. سیر دریای عرب سیحون نام دارد و در ظاهر نام ایران آن (یخسرت) است که یونانیان به شکل (Jaxartes) ضبط کردند.^۱ نویسندگان و محققان مانند بارتلد، تارن، لسترنج، مفورم‌های نظیر رود دریا و رود ریگزار به آن دو نام نسبت نداده‌اند و خبری از آن تعبیر ندارند.

در باب بعضی نام‌های دیگر مذکور در کتاب نیز می‌توان همین قبیل ملاحظات را اظهار نمود. مثلاً (ارپیگ) یا (هارپاگوس) به قول یوستی اصل ما. حتی از خاندان شاهی بوده و معلوم نیست چرا مؤلف محترم او را ارمنی ندانسته است. مادها و ارمنی‌ها با این که هر دو از اقوام ایرانی بوده‌اند، قوم واحد نبوده‌اند. پس از این چند نکته که به طور نمونه و با رعایت اختصار مذکور افتاد و منظور عمده‌ی از آن متوجه ساختن خواننده بود که کلیه‌ی اقوال و روایات کتاب را حقایق تاریخی تصور نکنند، باید بار دیگر اظهار دارم که این تألیف، من حیث المجموع هرگز بدون فکر و تحقیق نوشته نشده و به خصوص در ورای عبارات و روایات آن، ولو گاهی با حقیقت وفق

ندهد، حسن نیت و مراتب دوستی و محبت مؤلف محترم نسبت به ایران مستتر و این معنی برای هرکسی که آن را به دقت بخواند ظاهر است. بنابراین «کورش کبیر» در دریف داستان‌های تاریخی مربوط به کشور ما، موقعیت ممتازی خواهد داشت و مطالعه کنندگان دقیق به ارزش آن پی خواهند برد.

نگفته نماند چون مؤلف محترم در پائیز گذشته بر حسب دعوت به تهران آمد، انتقادات جزئی مذکور را به ایشان اظهار نمودم و ایشان به مهر و تواضع مرا مجاز ساختند آنها را در این ترجمه گوشزد نمایم. چنانکه هرکسی خود می‌تواند تطبیق نماید. ترجمه‌ی این کتاب، اهتمام به عمل آمده، مفهوم عین عبارات بدون تخیل یا تغییر به سبک فارسی درآید و تا آنجا که امکان دارد، سبک و روش مؤلف محفوظ بماند. در ضمن چنانکه در نظر خوانندگان ارجمند مشهور است در مواردی برای توضیح با تزیین مطالب متن، یادداشت‌هایی بطور پاورقی ضمیمه گشت که امید است مورد نیاز واقع گردد.

تهران تیرماه ۱۳۴۰ شمسی

صادق رضازاده شفق

مراجع مهمی که مربوط به مطالب این مقدمه ممکن است برای تطبیق و تحقیق مورد مطالعه واقع گردد:

1. F.Justi: Iranisches Namenbuch, Hamburg 1959.
2. W.Bartold: turkistan, london 1958.
3. G.Le Strange: the lands of the eastern khilipheat, cambridge 1930.
4. W.tarn: the Greeks in bactria and india, cambridge 1951.
5. The Cambridge Ancient History vol.IV.
6. A.T.Olmstead: Persian Empire 1948.